



## آیا در قلب شما جایی برای عیسی وجود دارد؟

وعظ ۱۹ دسامبر ۲۰۲۱  
لوقا فصل ۲ آیه ۱ تا ۷

### مقدمه و وعظ

ما همچنان به داستان تولد عیسی نگاه می کنیم و قلب خود را برای جشن کریسمس امسال آماده می کنیم. در دو هفته گذشته، ما به داستان مریم نگاه کردیم. ما از پاسخ او به پیامی که خداوند از طریق فرشته جبرئیل فرستاد، شگفت زده شدیم. و ما از این که مریم و الیزابت با ایمان و اعتماد به کار خدا در زندگی خود پاسخ دادند، تشویق شدیم.

امروز به لوقا فصل ۲ نگاه خواهیم کرد.

### لوقا فصل ۲ آیه ۱ تا ۷

- ۱ در آن روزها فرمانی از سوی قیصر آگوستوس صادر شد که تمام جهان باید ثبت شود.
- ۲ این اولین ثبت نام زمانی بود که کویرینیوس فرماندار سوریه بود.
- ۳ و همه برای ثبت نام رفتند، هر کدام به شهر خود.
- ۴ و یوسف نیز از جلیل، از شهر ناصره، به یهودیه، به شهر داوود که بیت لحم نام دارد، رفت، زیرا او از خاندان و نسب داوود بود.
- ۵ با مریم نامزدش که باردار بود ثبت نام کند.
- ۶ و هنگامی که آنها آنجا بودند، زمان زایمان او فرا رسید.
- ۷ و پسر نخست زاده اش را به دنیا آورد و او را در قنذاق پیچید و در آخور گذاشت، زیرا جایی برای آنها در مسافرخانه نبود.

با هم اشعیا باب ۴۰ آیه ۸ را می خوانیم:

چمن ها پژمرده می شوند ، گل ها محو می شوند ، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.

لطفاً با من دعا کنید

پدر، لطفاً روح القدس را بفرست تا امروز قلب و ذهن ما را به روی کلام تو باز کند. ما لیاقت پذیرش شما را نداریم، اما شما این را می دانید. ما به تنهایی قادر به درک شما نیستیم و شما این را می دانید. پس روح القدس را بفرست تا به ما کمک کند تا امروز عیسی را ببینیم. ما آن را به نام او می خواهیم.

آمین

در اینجا نکته اصلی یا ایده بزرگ خطبه امروز است.  
ایده بزرگ: آیا در قلب شما جایی برای عیسی وجود دارد؟

One Voice Fellowship کلیسایی متشکل از مردم بسیاری از ملل است.

بسیاری از شما نمی‌خواستید وطن خود را ترک کنید.

مجبور شدی از جایی به جای دیگر حرکت کنی.

برخی از شما از موقعیت‌های خطرناک در کشورهای خود فرار کرده‌اید.

برخی از شما اکنون منتظر هستید تا دولت ایالات متحده مدارک مهاجرت شما را بررسی کند.

شما می‌دانید چه حسی دارد که به دلیل آنچه توسط مقامات دولتی انجام می‌شود، زندگی شما به طور چشمگیری تغییر کرده است.

با در نظر گرفتن این افکار، بیایید با دقت بیشتری به آنچه لوقا در فصل ۲، آیات ۱ تا ۳ نوشت، نگاه کنیم.

۱ در آن روزها فرمانی از سوی قیصر آگوستوس صادر شد که تمام جهان باید ثبت شود.

۲ این اولین ثبت نام زمانی بود که کویرینیوس فرماندار سوریه بود.

۳ و همه برای ثبت نام رفتند، هر کدام به شهر خود.

سزار آگوستوس اولین امپراتور روم بود.

او کسی است که امپراتوری روم را با ساخت شبکه‌ای از جاده‌ها گسترش داد.

او نیروی پلیس و خدمات آتش‌نشانی را در رم راه‌اندازی کرد.

او دیکتاتوری بود که بسیاری از مخالفانش را اعدام کردند.

او مرد خوبی نبود

اما زمان بندی خدا همیشه خوب است.

حکومت سزار آگوستوس ۲۰۰ سال "Pax Romana" یا صلح رومی را آغاز کرد.

از آنجایی که روم قلمروهای زیادی را تحت کنترل داشت، رسولان می‌توانستند آزادانه در امپراتوری روم سفر کنند تا انجیل را به

اشتراک بگذارند.

کلیسای اولیه مسیحی به طور گسترده و سریع رشد کرد، تا حدی به دلیل Pax Romana (صلحی که بین ملیت‌ها در داخل

امپراتوری روم برقرار بود).

یکی از راه‌هایی که سزار آگوستوس امپراتوری خود را کنترل کرد، مالیات بود.

برای مالیات از مردم، باید آنها را بشمارید.

به همین دلیل است که در زمان تولد عیسی همه ثبت نام می‌شدند.

سزار آگوستوس می‌توانست مردم را مجبور کند مسافت‌های طولانی را طی کنند تا حساب شوند.

او بسیار قدرتمند بود.

فکر می‌کرد کنترلش را در دست دارد.

اما خداوند بر همه چیز، همه مردم و همه رویدادها کنترل دارد.

خدای پدر دقیقاً محل و زمان فرستادن پسرش را برای تولد انتخاب کرد.

عیسی در تقاطع سه قاره به دنیا آمد.

او در زمانی به دنیا آمد که پیام انجیل می‌توانست راحت‌تر از قبل سفر کند.

پولس در غلاطیان فصل ۴ آیه ۴ تا ۵ این گونه می گوید:  
۴ اما چون زمان معین به پایان رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از یک زن متولد شده بود و تحت شریعت متولد شد.  
۵ تا کسانی را که تحت شریعت هستند فدیة دهیم تا فرزندخواندگی پیدا کنیم.»

عیسی پسر خدا در زمان تعیین شده توسط خدای پدر متولد شد.  
عیسی تحت شریعت موسی و تحت شریعت روم متولد شد.  
پسر خدا آمد تا فدیة دهد و ما را از شریعت نجات دهد، تا خدای پدر بتواند ما را به عنوان پسر و دختر اختیار کند.

دوستان، همه چیز تحت کنترل و حاکمیت خداوند هست!  
من می خواهم شما آن را به خاطر بسپارید.  
گاهی اوقات برنامه های ما به نتیجه نمی رسد.  
گاهی دعاها ما آنطور که آرزو می کنیم مستجاب نمی شود.  
گاهی اوقات جاده پیش روی ما یک مسیر غیر منتظره را طی می کند.

امثال فصل ۱۶ آیه ۹ می گوید:  
”قلب انسان راه خود را تدبیر می کند، اما خداوند قدم های او را استوار می کند.“

مطمئنم که مریم می خواست بچه اش را در ناصره به دنیا بیاورد.  
آنجا خانه او بود، جایی که خانواده و دوستان داشت.  
در ناصره، مریم هنگام تولد نوزاد از حمایت و کمک برخوردار بود.  
اما یوسف از فرمان کویرینیوس، فرماندار رومی منطقه اطاعت کرد.  
بیاوید آنچه را که در ادامه، در آیات ۴ و ۵ اتفاق افتاد، بخوانیم.

۴ «و یوسف نیز از جلیل، از شهر ناصره، به یهودیه، به شهر داوود که بیت لحم نام دارد، رفت، زیرا او از خاندان و تبار داود بود.

۵ با مریم نامزد او که باردار بود ثبت نام کند.»

می توانید در اینجا روی نقشه ببینید ناصره کجاست و کجا بیت لحم.  
یوسف و مریم در حالی که او باردار بود حدود ۹۰ مایل سفر کردند.  
یوسف و مریم به دلیل دستور دولت مجبور به سفر به بیت لحم شدند.  
اما، بار دیگر، این خداست که واقعاً کنترل را در دست دارد.  
۷۰۰ سال قبل از تولد عیسی، میکاه نبی این را نوشت.  
میکاه فصل ۲ آیه ۲ و آیه ۴ تا ۵.

۲ «اما تو ای بیت لحم افرا تا، که برای اینکه در میان قبایل یهودا باشی، بسیار کوچک هستی،  
از تو برای من فرمانروایی در اسرائیل بیرون خواهد آمد که ظهورش از قدیم و از دوران باستان است...  
۴ و او بایستد و گله خود را به قوت خداوند، در عظمت نام یهوه خدای خود، شبانی کند. و آنها امن ساکن خواهند شد، زیرا اکنون  
او تا اقصی نقاط جهان بزرگ خواهد بود.  
۵ و او صلح آنها خواهد بود.»

میکا درباره عیسی صحبت می کرد.  
میکاه از همان زبانی استفاده کرد که ما شنیدیم که فرشته جبرئیل در لوقا فصل ۱ آیه ۳۲ تا ۳۳ به مریم درباره عیسی گفت.

۳۲ او بزرگ خواهد شد و پسر اعلی نامیده خواهد شد و خداوند خدا تخت پدرش داود را به او خواهد داد.  
۳۳ و او بر خاندان یعقوب تا ابد سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او پایانی نخواهد داشت.»

عیسی شاهزاده صلح است، دوستان من.  
Pax Romana یک صلح موقت و دست ساز بشر بود که با ظلم و ستم اجرا می شد.  
اما آرامشی که خداوند به جهان عرضه می کند بسیار متفاوت است.  
در یک مکان غیرمنتظره، به روشی شگفت انگیز می آید.  
اکنون در آیات ۶ و ۷ داستان را ادامه می دهیم.

۶ «و هنگامی که آنها آنجا بودند، وقت زایمان او فرا رسید.  
۷ و پسر نخستزاده اش را به دنیا آورد و او را در قنناق پیچید و در آخور گذاشت، زیرا جایی برای آنها در مسافرخانه نبود.»

مدتی پس از ورود یوسف و مریم به بیت لحم، عیسی به دنیا آمد.  
لوقا به ما می گوید که «در مسافرخانه جایی برای آنها وجود نداشت.»  
۲۰۰۰ سال پیش هتل ها رایج نبودند.  
و شهر کوچکی مانند بیت لحم قطعاً هتل یا مسافرخانه ای که ما امروز به آنها فکر می کنیم نداشت.  
کلمه یونانی برای «مسافرخانه» به معنای «اتاق مهمان» است.

نمی دانیم او در اصطبل به دنیا آمده است یا غار یا خانه شخصی.  
لوقا به سادگی به ما گزارش می دهد که مکان ایده آل برای زایمان در دسترس نیست.  
عیسی در نزدیکی حیوانات، در مکانی حقیر و انتخاب دوم به دنیا آمد.  
ما می دانیم که حیواناتی در این نزدیکی وجود داشتند زیرا او را در «آخور» گذاشته بودند.  
این چیزی است که ممکن است به نظر برسد.  
از اینها برای تغذیه گاو، الاغ و گوسفند استفاده می شد.

دوستان من، نجات دهنده شما در یک قلعه یا خانه یک خانواده ثروتمند به دنیا نیامده است!  
او یوسف را به عنوان پدر زمینی خود انتخاب کرد تا در یک شهر کوچک بی اهمیت به دنیا بیاید.  
عیسی یک نجار معمولی را به عنوان پدر زمینی خود انتخاب کرد، بنابراین او را در اتاقی که قرض گرفته بود به دنیا می آورد و  
در کاسه غذای الاغ می گذاشت.

هیچ دین دیگری بر روی زمین خدایی را به این شکل نمی پرستد.  
آنها هرگز چنین چیزی را تصور نمی کردند.  
این یکی از دلایلی است که می دانیم درست است.  
زیرا هیچ انسانی چنین داستانی را اختراع نمی کرد تا مردم را تحت تأثیر تولد پروردگار و منجی خود قرار دهد.  
عیسی پادشاه در کاخ یا پایتخت به دنیا نیامده است.

او در یک فضای فرضی در یک شهر کوچک به دنیا می آید. مری مجبور شد زادگاهش را ترک کند، جایی که می توانست در اطراف خانواده و دوستانش در ناصره زایمان کند. مریم از فرصت زایمان در یک اتاق مهمان مناسب در بیت لحم محروم شد.

بسیاری از شما از فرهنگ هایی هستید که برای مهمان نوازی ارزش قائل هستند. شما نسبت به خانه های خود سخاوتمند هستید و از داشتن مهمان خوشحال هستید. وقتی منتظر بازدیدکنندگان هستید، چگونه خانه خود را آماده می کنید؟ خانه را تمیز می کنی؟ البته که انجامش میدی.

ما می دانیم چگونه خانه هایمان را تمیز کنیم. ممکن است سوال سخت تری از شما بپرسم؟ آیا تا به حال سعی کرده اید قلب خود را تمیز کنید؟ آیا قلب شما به اندازه کافی پاک است که از عیسی به عنوان مهمان پذیرایی کنید؟

پولس در افسسیان فصل ۳ آیه ۱۶ تا ۱۷ دعا کرد: «۱۶ من دعا می کنم که خداوند از منابع با شکوه و نامحدود خود، از طریق روح خود به شما قدرت درونی دهد. ۱۷ آنگاه مسیح همان طور که به او اعتماد دارید، خانه خود را در دل شما خواهد ساخت. ریشه های تو به عشق خدا رشد خواهد کرد و تو را قوی نگه می دارد.»

مسیح می خواهد خانه خود را در قلب ما بسازد، دوستان من. اما در دل هر انسانی کثیفی گناه وجود دارد. همه ما یک مشکل گناه داریم که نمی توانیم آن را برطرف کنیم. ما نمی توانیم آن را بشوئیم. اما خبر خوب اینجاست. عیسی میهمان ماست که اتاق مهمان را نیز برای ورود خودش آماده می کند.

من با خانواده ام در طول کریسمس ۱۹ ساعت رانندگی خواهم کرد. یک شب را در هتل می گذرانیم تا سفر را قطع کنیم. تصور کنید به هتلی رسیدید و مدیر هتل یک جاروبرقی و یک سطل به شما داد. او به شما گفت که قبل از اینکه بتوانید در اتاق بمانید باید اتاق هتل خود را تمیز کنید. این رفتار خیلی احمقانه خواهد بود مگر نه!؟

اما این همان کاری است که عیسی انجام می دهد تا قلب ما را برای ماندن او در آنجا آماده کند. او نمی خواهد که قبل از آمدن او به ما دلهایمان را پاک کنیم. عیسی حقیقت قلب ما را می داند. آنها پر از گناه و تاریکی هستند، اما او پر از فیض و نور است. قبل از اینکه عیسی بتواند خداوند زندگی ما شود و در قلب ما زندگی کند، باید پاک شویم. و این کاری است که فقط او می تواند برای ما انجام دهد.

خبر خوب کریسمس این است که عیسی به زمین آمد تا زندگی کاملی داشته باشد که ما هرگز نتوانستیم. او به عنوان قربانی برای شکست و گناه ما مرد. این خبر بسیار خوبی است. اما بسیاری از مردم این خبر خوب را رد می کنند. چون خبر بد مشکل گناه را در دلشان باور نمی کنند. به مدت ۱۰ سال من یک آنتیست بودم و نمی خواستم بشنوم که کسی در مورد مشکل گناهم به من بگوید. اما می دانستم که حقیقت دارد. می دانستم که عادت های بدی دارم که نمی توانم آنها را ترک کنم. می دانستم که پر از غرور و شهوت هستم که خیلی سعی کردم از اطرافیانم پنهان کنم.

اما خدا می دانست. خداوند با مهربانی خود قلب مرا با نشان دادن گناهم آماده کرد. او همچنین قوی ترین نیروی پاک کننده در جهان را به من نشان داد. این خون عیسی است، تنها انسان کاملی که تا به حال زندگی کرده است. خون او تنها چیزی است که می تواند قلب شما را پاک کند تا آن را آماده کند تا خدا بیاید و در درون شما زندگی کند.

دوستان من آیه شما این را درک میکنید؟  
آیا شما خبر بد را پذیرفته اید و با استقبال از عیسی در قلب خود، مژده انجیل را دریافت کرده اید؟  
آیا در قلب شما جایی برای او وجود دارد؟

من قصد دارم بخش طولانی از یک پیغام چارلز اسپرچن را بخوانم. او ۱۵۰ سال پیش در لندن، انگلستان کشیش بود. به این سوالات چالش برانگیز از کشیش چارلز اسپورجن گوش دهید:  
«آیا کاخ های امپراتورها و تالارهای پادشاهان به عیسی، غریب سلطنتی پناه می دادند؟  
خیر

به ندرت جایی برای مسیح در میان خانواده سلطنتی وجود دارد!  
اتاق های تاج و تخت و کاخ های سلطنتی به ندرت به روی مسیح باز می شوند. او از کلبه ها بیشتر بازدید می کند تا کاخ ها.  
اما شاید در دولت، در جاهایی که سیاستمداران قوانین را وضع می کنند.  
آیا آنجا برای مسیح جا بود؟

نه دوستان من  
در میان نمایندگان کنگره یا مجلس، جای بسیار کمی برای مسیح وجود دارد.  
احزاب سیاسی، لذت جوینان و کسانی که به دنبال شکوه خود هستند، نماینده آسمان را از جایگاهی در میان نمایندگان زمین محروم می کنند.

یا شاید جایی برای مسیح در میان افراد موفق وجود دارد؟  
آیا در بیت لحم افراد محترمی بودند که دارای آبرو و شهرت بودند؟  
آیا آنها ممکن است فضایی را برای مسیح فراهم کنند؟

نه دوستان عزیز آنجا جایی برای او نیست.  
لباسهای زیبا، رتبه و شرف، جواهرات و ثروت، این چیزها بیش از حد در دل آنها جای می گیرد.  
آنها می گویند که جایی برای عیسی ندارند یا به او نیاز دارند.

شاید در بورس جا برای او باشد؟  
یا در مغازه ها و فروشگاه ها و مشاغل.  
شاید اینجا برای مسیح جا باشد؟  
نه، دوستان عزیز، اندکی از روح، زندگی و آموزه مسیح در اینجا یافت می شود.  
ورشکستگی، طمع و کلاهبرداری در دنیای تجارت به قدری زیاد است که جایی برای عیسی در آنجا نیست.

و سپس مکاتب فلاسفه است.  
مطمئناً آنها از عیسی و حکمت بی پایانش استقبال خواهند کرد؟  
اما نه دوستان عزیز این درست نیست.  
فضای بسیار کمی برای مسیح در کالج ها و دانشگاه ها وجود دارد.  
او به ندرت در مکان های یادگیری عمیق مورد استقبال قرار می گیرد.  
عده ای خردمند مثل بچه ها به پای بچه بیت لحم تعظیم کرده اند.  
اما متأسفانه، بسیاری از تحصیل کرده ها بیش از حد از دانش خود آگاه هستند و به خرد خود افتخار می کنند.  
آنها می گویند: "این مسیح کیست که او را بشناسیم؟"  
اما مطمئناً یک مکان وجود داشت که عیسی می توانست برود.  
به بزرگان اورشلیم.  
یا به کاهنان و لایویان در معبد خداوند.  
آیا در معبد یا کنیسه جا برای عیسی وجود داشت؟  
نه، او هیچ پناهگاهی در آنجا پیدا نکرد.  
در آنجا بود که او در طول زندگی خود با قوی ترین دشمنان خود روبرو شد.  
در محلی که نامش در مزامیر خوانده می شد و در میان دود دعا بر زبان جاری می شد، جایی برای او نبود.

نه دوستان من  
به هر کجا و همه جا نگاه کنید، خواهید دید که تنها یک مکان برای شاهزاده صلح وجود دارد.  
خانه مسیح نزد فروتنان است.  
او به دلهای توبه کننده می آید، دل هایی که به لطف او آماده شده تا پناهگاه او باشد.  
کاخ، دولت و تمام دنیا جایی برای مسیح ندارند.  
اما آیا شما برای او جا دارید؟  
استاد سلطنتی ما اینجاست، آیا برای او جا دارید؟  
اینجا پسر خدا جسم شد، آیا برای او جا دارید؟  
اینجا عیسی است که می تواند همه گناهان را ببخشد، آیا برای او جا دارید؟  
اینجا کسی است که می تواند شما را از گودال وحشتناک بیرون بکشد، آیا برای او جا دارید؟  
او کسی است که نزد شما می آید و قول می دهد که هرگز شما را رها نکند و رها نکند.  
آیا برای او جا دارید؟  
پوچی و شکستگی تو فضایی است که او به آن نیاز دارد.

او آماده است تا به درون قلب فروتن حرکت کند، قلبی که احساس می کند شایسته نیست و آماده نیست. آیا برای او جا داری دوست من؟  
آیا جایی برای عیسی وجود دارد که بیاید و در قلب شما زندگی کند و شما را تازه متولد کند؟ امیدوارم.

من از چارلز اسپرین سپاسگزارم و چقدر زیبا این را بیان کرد. اسپورجن پیام آور قدرتمند مسیح بود زیرا او مسیح را در قلب توبه کننده خود پذیرفته بود. امیدوارم امروز روح القدس را بشنوید که با شما زمزمه می کند: "آیا برای مسیح جا دارید؟ چه چیزی را باید از دلت بیرون کنی تا برای او جا باز کنی؟"

به آنچه عیسی در مکاشفه فصل ۳ آیه ۲۰ می گوید گوش دهید. ۲۰ اینک من بر در می ایستم و می کوبم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را بگشاید، نزد او می آیم و با او غذا می خورم و او با من.

باید بدانید که وقتی عیسی این را در مکاشفه فصل ۳ می گوید، در حال صحبت با کلیسای لائودیسه، در ترکیه امروزی است. عیسی به افرادی که قبلاً به کلیسا می روند می گوید: "من در را می کوبم، اجازه می دهی وارد شوم؟" افرادی که قبلاً گفته اند به عیسی ایمان دارند پشت دری قفل شده هستند. عیسی در آن در را می زند و می گوید: "آیا می شنوی که من تو را صدا می کنم؟ آیا در را باز می کنی تا من بیایم با تو غذا بخورم و تو با من؟" همه ما قلب های گرسنه داریم، دوستان من. قلب هایی که به دنبال راه حلی برای خلاء ما هستند. اما هیچ چیز روی زمین نمی تواند فضایی را که تنها برای عیسی در نظر گرفته شده است پر کند. نه پول، قدرت، لذت، غذا، نوشیدنی، ماجراجویی یا موفقیت.

ما خودمان نمی توانیم این بت ها را از قلبمان پاک کنیم. ما تجهیزات نظامی مناسب نداریم. فقط عیسی می تواند این کار را انجام دهد. او مایل است و آماده است که قلب ما را پاک کند زیرا می داند که ما نمی توانیم این کار را برای خود انجام دهیم. آیا برای استقبال از او آماده اید؟ شاید برای شما اولین بار باشد. شاید صدمین بار باشد.

به عیسی بگویید که او در قلب شما یک مهمان خوش آمده هست. به او بگویید که می خواهید او بیشتر از یک بازدید کننده موقت باشد. عیسی نزد شما می آید تا برای همیشه شبان، پروردگار شما و پادشاه شما باشد. دوست من آیا در قلب شما جایی برای او وجود دارد؟

حالا با هم برایش دعا کنیم عیسی، از تو متشکریم که اصرار نمی کنی که قبل از آمدن تو خودمان را پاک کنیم. سپاس از تو که راه حلی برای لکه گناه در قلبمان به ما ارائه می دهی.



خون تو تنها چیزی است که می تواند ما را بشوید و ما را مقدس کند.  
روح القدس، لطفاً به هر یک از ما چیزهایی را که در قلب خود نگه داشته ایم نشان دهید.  
چیزهایی را که در حال حاضر فضایی را که به عیسی تعلق دارد را اشغال می کند، آشکار کنید تا بتوانیم توبه کنیم و سالم شویم.  
پدر، پسرت به اینجا خوش آمدی.  
از شما سپاسگزاریم که او را فرستادید تا ناجی ما باشد.  
آمین